

لابی ایپک؛

مؤثرترین لابی در سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا

علیرضا کوهکن*

«وقتی سخن از اسرائیل باشد، در کنست (مجلس رژیم صهیونیستی) آزادی بیشتری در مقایسه با کنگره آمریکا وجود دارد.» دستیار یک سناتور آمریکایی

چکیده

سیاست خارجی در ایالات متحده متأثر از عوامل و عناصر مختلفی است؛ لابی‌ها یکی از این عناصر هستند که در چارچوب کلی گروه قرار می‌گیرند. یکی از مؤثرترین لابی‌های فعال در سیاست خارجی آمریکا، ایپک است. ایپک گروهی صهیونیستی است که در دهه ۱۹۵۰ میلادی ایجاد شده و به دنبال کسب حمایت دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی است. این مقاله به دنبال توضیح تاریخچه، ساختار اداری و مالی، اهداف و دلایل اهمیت ایپک در سیاست خارجی ایالات متحده است. هر کدام از بخش‌های مقاله، یکی از

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه علامه طباطبائی (koohkan@atu.ac.ir)



این موارد را شرح می‌دهد. البته در ابتدای مقاله، مفهوم لابی و لابیگری مورد توجه قرار می‌گیرد و از آنجا که لابی‌ها در چارچوب گروه‌های ذی‌نفوذ مورد مطالعه قرار می‌گیرند، چارچوب نظری این کار، بر اساس توضیح جایگاه گروه در سیاست خارجی ایالات متحده بنا شده است و تحقیق حاضر، این مبحث را در پرتو نظریه آرتور بنتلی پیرامون گروه در ایالات متحده توضیح می‌دهد.

واژگان کلیدی: لابی، ایک، آمریکا، اسرائیل، خاورمیانه.

مقدمه

ایالات متحده دارای سیستم حکومتی متکثری است که راه‌های زیادی را برای تأثیرگذاری بر روند سیاسی در آن فراهم می‌کند. در نتیجه، گروه‌های ذی‌نفوذ میتوانند به طرق مختلفی بر سیاست اثرگذار باشند؛ مانند لابی کردن با نمایندگان منتخب و اعضای شاخه اجرایی، مشارکت در مبارزات انتخاباتی، حمایت از گروهی خاص در انتخابات، استفاده از افکار عمومی و غیره. (امجد، ۱۳۸۶: ۸۶-۸۷)

بعد از جنگ ۱۹۷۳ میان مصر و اسرائیل، یهودیان آمریکایی وارد عرصه فعالیت جدی سیاسی در داخل ایالات متحده شدند. سخن مشهور موریس آمیتای که حمایت از اسرائیل «یک کار سیاسی است»، در همین باره است. (عنايه، ۱۳۸۵: ۵۸) آنها یک سری از سازمان‌های مؤثر را برای تأثیرگذاری بر سیاست خارجی ایالات متحده ایجاد کرده‌اند که مشهورترین و قویترین آنها ایک است. در سال ۱۹۹۷، هفته‌نامه فورچن^۱ در یک نظرسنجی از اعضای کنگره و کارمندان آن خواست تا فهرست قوی‌ترین لابی‌های موجود در واشنگتن را بیان کنند. ایک بعد از انجمن بازنشستگان آمریکا^۲ در رتبه دوم قرار داشت. این لابی جلوتر از گروه‌های بسیار قدرتمندی مثل ALF-CIO و انجمن ملی اسلحه قرار داشت. (Birnbau, 1997) بررسی نشنال ژورنال^۳ هم در ماه مارس سال ۲۰۰۵ به نتیجه مشابهی رسید. در این بررسی نیز ایک بعد از AARP با فاصله کمی در جایگاه دوم لابی‌های قدرتمند در واشنگتن قرار داشت. (Cohen and Bell, 2005)



هسته اولیه این لابی را یهودیان آمریکایی تشکیل می‌دهند که روزانه تلاش‌های مشخصی را در جهت دادن به سیاست خارجی آمریکا در راستای منافع اسرائیل انجام می‌دهند. این تلاش‌ها شامل فعالیت‌هایی برای رأی آوردن کاندیداهای طرفدار اسرائیل، نوشتن نامه، کمک‌های مالی و حمایت از سازمان‌های طرفدار اسرائیل است. طبق یک سرشماری در سال ۲۰۱۸ میلادی، حدود ۵,۷ میلیون نفر یهودی در آمریکا زندگی می‌کنند. این تعداد کمتر از سه درصد جمعیت ایالات متحده را شامل می‌شود. (Jewish Virtual Library, 2018) ۳۵ درصد از این تعداد به سرزمین‌های اشغالی سفر کرده‌اند. همین آمار به خوبی نشان از پیوند میان ساکنان آمریکا و سرزمین‌های اشغالی دارد. البته همه یهودیان ساکن ایالات متحده عضو این لابی نیستند زیرا اسرائیل برای بسیاری از آنان موضوع مهمی تلقی نمی‌شود. برای مثال، در ارزیابی که در همین زمینه در سال ۲۰۰۴ میلادی انجام شده، حدود ۳۶ درصد یهودیان آمریکایی تبار گفتند که در مجموع هیچ پیوند احساسی با رژیم اسرائیل ندارند. (Cohen, 2004) یهودیان آمریکایی تبار همچنین در مورد سیاست‌های اسرائیل دارای نظر واحدی نیستند. البته اکثر یهودیان آمریکا با اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی احساس همبستگی دارند اما این به معنای حمایت از احزاب افراطی مانند لیکود و جنگ‌طلبان نیست. (Terry, 2005: 69)

میزان قدرت یهودیان در کنگره نیز قابل توجه است. در سال ۲۰۰۸، سیزده سناتور یهودی در سنا و ۲۶ نماینده در مجلس نمایندگان حضور داشت. هشت نماینده مجلس از ۲۳ عضو دموکرات کمیته روابط بین‌الملل مجلس نمایندگان و سه سناتور از ۱۸ سناتور کمیته روابط خارجی سنا، یهودی بودند. در مجلس نمایندگان، فراکسیونی با نام حامیان اسرائیل از میان نمایندگان هر دو حزب تشکیل شد و نکته جالب در مورد آن، غیر یهودی بودن اکثر اعضای آن است. (Cigler and Loomis, 2007: 305)

ایپک و بسیاری دیگر از سازمان‌های کلیدی صهیونیستی در آمریکا مثل کنفرانس سران مهم‌ترین سازمان‌های یهودی آمریکایی^۴ به وسیله رادیکال‌هایی اداره می‌شود که از افراطی‌ترین احزاب سیاسی در اسرائیل مثل لیکود حمایت می‌کنند. کنفرانس سران مهم‌ترین سازمان‌های یهودی آمریکایی، چتری است که اکثر سازمان‌های صهیونیستی در آمریکا را گرد هم می‌آورد تا در مورد مسائل مهم و راهبردهای آینده با هم مشورت و هماهنگی داشته باشند. (Terry,



۲۰۰۵: ۷۰) این عده اعتراض زیادی به روند منتهی به قرارداد صلح اسلو دارند و برای این قرارداد اهمیتی قائل نیستند. حداکثر یک سوم یهودیان آمریکا از اندیشه‌های صهیونیستی حمایت می‌کنند و حاضرند به برنامه‌های آن کمک کنند. (Brenner, 2003)

اما در طرف دیگر، اکثریت یهودیان آمریکایی با سخت‌گیری کمتری با این مسئله برخورد می‌کنند و خواستار اعطاء امتیازاتی به فلسطینیان بی‌سرپناه هستند. در این میان، گروه‌های کمی هم مثل گروه صدای یهودیان برای صلح وجود دارند که به شدت به دنبال این خواسته‌ها هستند و آن را بیان می‌کنند. (Kaplan, 2004) البته باید توجه کرد که علیرغم وجود این تفاوت‌ها میان رادیکال‌ها و میانه‌روها، هر دو گروه خواستار حمایت مستمر آمریکا از رژیم اسرائیل هستند.

در این نوشتار، همانگونه که از عنوانش پیداست، هدف بررسی تاریخچه، ساختار و نحوه عمل ایپک است. به همین منظور ابتدا تعریف مفاهیم و چارچوب نظری مقاله ارائه می‌شود. سپس تاریخچه و ساختار این لابی سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. دلیل اهمیت ایپک در ساخت سیاست خارجی خاورمیانه‌ای ایالات متحده بحث بعدی نوشتار است. هدف لابی ایپک در سیاست آمریکا نیز مطلب دیگری است که به آن اشاره خواهد شد. در انتها نیز نتیجه مطالب گفته شده ارائه می‌گردد و پیشنهادهایی برای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌شود.



۱ - تعریف مفاهیم و چارچوب نظری

در این بخش، ابتدا به توضیح مفهوم گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌ها پرداخته می‌شود و در ادامه چارچوب نظری مقاله بر اساس نظریه گروه مربوط به آرتور بنتلی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۱-۱ - گروه‌های ذی‌نفوذ و لابی‌ها

گروه‌های ذی‌نفوذ مستقیماً در فتح قدرت و اجرای آن مشارکت نمی‌کنند بلکه با باقی ماندن در خارج از قدرت، آن را متأثر می‌سازند و بر آن «فشار» وارد می‌کنند. گروه‌های ذی‌نفوذ در پی تأثیر بر زمامدارانند، نه آنکه زمامدارانی از خود را به قدرت بنشانند. گروه ذی‌نفوذ می‌تواند

گروهی باشد که اختصاصاً در قلمرو سیاست عمل می‌کند و بر قوای عمومی نفوذ می‌نماید؛ مثلاً لابی‌های معروف واشنگتن که سازمان‌هایی متخصص برای تماس با نمایندگان مجالس مقننه، وزرا و کارمندان عالی‌مقام می‌باشند. برعکس، گروه ذی‌نفوذ می‌تواند گروهی نسبی باشد که فشار سیاسی فقط بخشی از فعالیت‌هایش باشد و یا اینکه علل وجودی دیگر و وسایل فعالیت دیگری داشته باشد؛ مثلاً یک سندیکای کارگری که گاهی بر حکومت نفوذ میکند اما دارای اهداف بسیار وسیعتری است. (دورژه، ۱۳۵۲: ۱۰۱)

لابی^۵ لغتی انگلیسی به معنای سرسرا یا راهرو است. این واژه در ادبیات سیاسی به معنی اعمال نفوذ بر سیاستمداران به ویژه نمایندگان مجلس است و به گروهی گویند که در اوضاع سیاسی یک کشور، از طرق مختلف قانونی، سعی در اعمال نفوذ و پیشبرد دیدگاه خود داشته باشد. نخستین بار کلمه لابی و لابیگری در فرهنگ سیاسی ایالات متحده آمریکا به کار گرفته شد. لابی در ایالات متحده آمریکا بسیار گسترده و فراگیر است. (آشوری، ۲۷۷: ۱۳۷۰)

کلمه لابی میتواند به عنوان یک اسم یا فعل در گفتمان سیاسی به کار رود؛ در هر دو معنی این کلمه برگرفته از واژه (سرسرا) در پارلمان یا کنگره است که سیاستمداران پس از رأی دادن در آنجا با یکدیگر به بحث و تبادل نظر می‌پردازند. به عنوان فعل، لابی کردن به معنی به کار بردن فشار، دادن وعده و وعید جهت جلب نظر یک مقام تصمیم‌گیر سیاسی است. این عمل میتواند در یک محیط سازمانی به کار رود که نماینده گروه فشار بر یک عضو پارلمان، وزیر و... برای منافع بیشتر گروه، اعمال نفوذ کند. همچنین ممکن است اعمال نفوذ در بین همترازان به کار رود؛ مثلاً زمانی که مشاوران اجرایی رئیس جمهور تلاش می‌کنند تا بر اعضا کنگره جهت رأی دادن به قوانین آتی، اعمال نفوذ کنند. لابی به عنوان اسم به ترتیبات سازمانی برای انتقال و پخش اطلاعات و فشار آوردن در مورد موضوعات مختلف، اشاره دارد. (Robertson, 1993: 22)

در جریان تعطیلی موقت کنگره در آمریکا یا قبل از آن که نشست‌های قانونگذاران شروع شود، مردمی که انتظار داشتند از لایحه خاصی متضرر یا منتفع شوند، از راهروهای ساختمانهایی که دو بخش کنگره را به یکدیگر متصل میکرد برای دیدار با نمایندگان استفاده می‌کردند. هدف آنها این بود که قانونگذاران را تحت تأثیر قرار دهند. به مرور زمان، این افراد یک سری



متخصص را برای انجام چنین کاری به کار گرفتند؛ این متخصصین، لابیگر و فعالیت آنها نیز لابیگری نامیده شد. (2: Guning, 2000) مجموعه فعالیت‌ها و اقداماتی را که گروه‌های فشار، لابی‌ها و گروه‌های حامی، برای تغییر وضعیت سیاسی موجود یا حفظ آن در راستای منافع خود انجام می‌دهند، لابی‌کردن می‌نامند. (احمدی لفورکی، ۱۳۸۷: ۹)

۱-۲- نظریه آرتور بنتلی^۶

آرتور بنتلی یکی از بنیانگذاران علوم سیاسی مدرن در جامعه آمریکا است و از نخستین دانشمندان رفتارگرا در ایالات متحده محسوب می‌شود. نخستین تئوری منسجم درباره نقش، اهمیت و جایگاه گروه‌ها در آمریکا، توسط بنتلی ارائه شده است. او این تئوری را بر اساس پایه‌های علمی پوزیتیویستی ارائه کرده است. بنتلی در چند جهت در عرصه علوم سیاسی ایالات متحده شهرت و نفوذ دارد. بسیاری او را به سبب نظریاتش در عرصه معرفت‌شناسی علمی می‌شناسند و او از پایه‌گذاران پوزیتیویسم علمی در عرصه علوم انسانی محسوب می‌شود. از دیگر عرصه‌های شهرت بنتلی، نظراتش درباره تکثرگرایی است. اما عرصه دیگری که بنتلی به آن پرداخته است و با این نوشتار مرتبط است، مباحث مربوط به گروه و گروه‌های ذی‌نفوذ است.

آرتور بنتلی در کتاب «روند حکومت» اشاره می‌کند که همه سیاست‌ها و همه دولت‌ها حاصل فعالیت گروه‌ها هستند و هر نوع تلاش دیگر برای تحلیل سیاست، به گمراهی منتهی خواهد شد. کتاب روند حکومت، نمونه‌ای خاص از یک نوشتار است که سعی دارد از تمایلات واقع‌گرایانه در تحلیل سیاست استفاده کند و برای این کار، بنتلی از روشی تجربی در رهیافت به دولت، سیاست و رفتار سیاسی استفاده می‌کند.

بنتلی به دور از افکار آرمان‌گرایانه و ایدئالیستی نسبت به سیاست، اعتقاد داشت که برای تجزیه و تحلیل عملکرد دولت‌ها، باید به مؤلفه‌ها و عوامل واقعی که بر ساختار تصمیم‌گیری تأثیر دارند، اشاره کنیم. به اعتقاد او با شناسایی این مؤلفه‌ها است که ما می‌توانیم به درک درستی از سیاست برسیم.

با توجه به موضوع مقاله، نظریه بنتلی به عنوان چارچوب نظری موضوعیت پیدا می‌کند زیرا



بر اساس این نظر، سیاست خارجی ایالات متحده تابع فعالیت گروه‌های ذی‌نفوذ است. از دید بنتلی، گروه، مجموعه‌ای از کنش‌های افراد متعدد و مختلف است. او در این باره می‌نویسد: «افراد جامعه خواسته‌ها و آمال خود را تنها در چارچوب یک گروه می‌توانند پیگیری کنند و به همین جهت برای فهم درست آنها باید روش‌های فهم صحیح رفتار گروه را آموخت. منفعت یک گروه فقط به اعلامیه‌ها، سخنان رؤسا و برنامه‌های اعلامی‌اش مرتبط نیست، بلکه مسئله اصلی، فعالیت‌های عملی است که اعضای گروه انجام می‌دهند.» این سخنان از نظر بنتلی، لفاظی‌هایی هستند که فایده‌ای در توجه به آنها نیست و آنچه موضوعیت دارد، نحوه عمل و رفتار گروه است. (Bentley, 1908: 208)

بنتلی از نظریه پردازان تکثرگرایی در جامعه سیاسی آمریکا است. از دیدگاه بنتلی، هر منفعتی باعث شکل‌گیری گروهی می‌شود که به دنبال کسب آن منفعت هستند و این گروه‌ها نقش واسطه را در معنا بخشی به دموکراسی در زندگی سیاسی بازی می‌کنند. طبق نظریه بنتلی هیچ فردی نیست که تنها عضو یک گروه ذی‌نفوذ باشد و هیچ گروه ذی‌نفوذی هم نیست که جدای از دیگر گروه‌ها فعالیت کند. همه بخش‌های حکومت در عرصه سیاست واقعی، تحت فشار گروه‌های مختلف است که این موضوع شامل دستگاه قضایی و دادگاه‌ها نیز می‌شود. بنابراین از نظر بنتلی، تصورات لیبرالی که به دنبال ایجاد بخش‌هایی برای پیگیری منافع عمومی و به دور از فشار گروه‌های بزرگ و قدرتمند هستند، در نهایت با شکست مواجه می‌شوند. (Bentley, 1908: 198)

به اعتقاد بنتلی، کنش گروهی در روابط میان گروه‌ها، روندی دائماً متغیر و پویا است که در آن، نیروهای اجتماعی برای فشار آوردن به دولت برای اجرای خواسته‌هایشان تلاش می‌کنند. در جریان این روند، گروه‌های قدرتمندتر مسلط شده و گروه‌های ضعیف‌تر مجبور به پیروی از آنها می‌شوند و دولت هم سعی می‌کند خود را با شرایط وفق داده و به نقطه تعادلی در میان گروه‌های رقیب تبدیل شود. از نظر بنتلی ثبات حکومت و هیئت حاکمه که پیش‌زمینه‌ای برای ثبات کل دولت است، نیازمند یافتن راهی مناسب برای حل منازعات درون گروهی و عمل کردن به عنوان میانجی میان گروه‌های مختلف نفوذ است. (کوهکن، ۱۹۳۱ ب: ۷۴-۷۵) نظریه بنتلی به خوبی نشانگر روند سیاسی و اجتماعی واقعی است که در زمان انحصار قدرت



ازسوی دولت و تغییر شکل دولت و گونه‌های متفاوت دکترین تقسیم قوا رخ می‌دهد. او این تفاوت‌های جامعه آمریکا را در گوناگونی گروه‌های غیردولتی و فشاری که آنها به ساختار رسمی برای دستیابی به خواسته‌هایشان می‌آورند، دسته‌بندی کرده و بیان می‌کند که خواست افراد برای دستیابی به منافع‌شان سبب می‌شود آنها در گروه‌های مختلف اجتماعی گرد آمده و همزمان چندین گروه مختلف ذی‌نفوذ برای اثرگذاری یا اجبار یک بخش سیاسی از دولت برای پیروی از خواست‌شان تلاش کنند و حاصل این تلاش، نقطه تعادلی است که جامعه را به پیش ببرد.

از نگاه بنتلی آنچه که جامعه آمریکا را متمایز می‌کند، فعالیت گروه‌های غیررسمی و غیردولتی در آن است که برای پیشبرد خواسته‌ها و منافعشان، بر هیئت حاکمه اعمال نفوذ و فشار میکنند و دولت‌ها برای ثبات و پایداری خودشان، میان رقابت‌های این گروه‌ها تعادل برقرار می‌کنند و در این نقطه تعادل است که جامعه حرکت می‌کند. (کوهکن، ۱۳۹۱ الف: ۱۶-۱۷) بنتلی مؤسسات دولتی را حوزه اعمال نفوذ و فشار گروه‌های مختلف برای دنبال کردن درخواست‌هایشان می‌داند.

اگرچه بنتلی ثبات نسبی شکل قانونی دولت را می‌پذیرد اما هم‌زمان خاطر نشان می‌کند که امکان تغییر این سازمان‌ها وجود دارد زیرا روند رقابت و عکس‌العمل میان گروه‌ها سیال و متغیر است. به عبارت دیگر، بنتلی معتقد است از آنجا که فرایند رقابت و کنش و واکنش میان گروه‌ها پویا، مداوم و متغیر است، امکان تغییر در مؤسسات دولتی و جایگاه‌های آنها و همچنین قوانین دولتی نیز دور از ذهن نمی‌باشد. این تغییر ممکن است در سطوح متفاوتی اتفاق بیفتد و این امر به ساختار واقعی گروه‌های ذی‌نفوذ و رفتار آنها بستگی دارد. (Salis-buri, 1969: 3)

نظریه آرتور بنتلی یکی از تئوری‌های مهم در ساخت تصمیمات سیاسی در ایالات متحده مبتنی بر نقش پررنگ گروه‌هاست. بنتلی این گروه‌ها را مجموعه‌هایی شکل گرفته بر اساس منافع مشترک می‌داند که عامل تعیین کننده سیاست‌های داخلی و خارجی ایالات آمریکا هستند. در این بخش، شرح مبسوطی از فرایند تأثیرگذاری آنها در ساخت سیاست خارجی ایالات متحده بیان شد.



۲ - تاریخچه ایپک

در این قسمت، ایپک به صورت خلاصه برای یک سری از ائتلاف‌های ایجاد شده بین اشخاص و سازمان‌هایی به کار می‌رود که در جهت شکل دادن به سیاست خارجی ایالات متحده در راستای منافع اسرائیل گام برمی‌دارند. البته این کاربرد به این معنی نیست که ایپک یک لابی دارای رهبری متمرکز و اعضای با نظرات متفاوت نمی‌باشد.

ایپک سازمانی است که برای فعالیت مستقیم و رسمی جهت جلب حمایت بخشهای مختلف دولت آمریکا از اسرائیل ایجاد شده است. اگرچه تا سال ۱۹۵۹ نامی از لابی ایپک برده نمی‌شد اما این لابی عملاً از سال ۱۹۵۱ تشکیل گردیده بود. این سازمان که نام قبلی آن «کمیته صهیونیست آمریکا برای امور عمومی» بود، در سال ۱۹۵۱ و با این هدف تأسیس شد که علیرغم مخالفت وزارت خارجه آمریکا، به طور مستقیم خواستار کمک کنگره به اسرائیل شود. سردمداران این گروه مدعی‌اند که هر ساله با تلاش برای تصویب ۱۰۰ طرح به سود اسرائیل در کنگره آمریکا، به این رژیم کمک می‌کنند. (AIPAC official site, 2018) در همین سال آی.ال.کین^۷ پس از مذاکرات بسیار با رهبران اسرائیلی نظیر آبا ابان و مؤسسه شارت و تدی کلوک، به شورای صهیونیست‌های آمریکا پیوست و اعلام نمود که هدفش مبارزه برای گذراندن قوانینی در حمایت از اسرائیل است. (اوبرین، ۱۳۸۳: ۲۶۴)

کنن روزنامه‌نگارزاده اهل کانادا به عنوان یک صهیونیست پرشور در صحنه سیاسی آمریکا فعالیتش را آغاز کرد. او در دهه ۱۹۴۰ با کنفرانس یهودیان آمریکا همکاری می‌کرد و در سال ۱۹۴۷ نماینده مطبوعاتی آژانس یهودیان در نیویورک شد و پس از تأسیس اسرائیل در سال ۱۹۴۸ به عنوان سخنگوی آبا ابان سفیر اسرائیل و هیئت اعزامی آن کشور به سازمان ملل، به کارش ادامه داد. وی در سال ۱۹۵۱ با پیوستن به شورای صهیونیست‌های آمریکا، در دفتر کنگره و وزارت خارجه آمریکا رسماً به عنوان یک لابیگر ثبت‌نام نمود. او از سال ۱۹۵۱ تا سال ۱۹۵۳ به عنوان نماینده شورای صهیونیست‌های آمریکا در واشنگتن به فعالیت پرداخت. این شورا به عنوان مؤسسه‌ای که از پرداخت مالیات معاف شده بود، نمی‌توانست به طور تمام وقت، برای تصویب قوانین در کنگره به فعالیت بپردازد. با توجه به همین موضوع و اینکه در سال ۱۹۵۴ شایعه شد قرار است تحقیقی جامع درباره گروه‌های سیاسی فعال در مجلسین انجام



شود، کنن نام کمیته‌ای را که به سرپرستی خودش به چنین فعالیت‌هایی می‌پرداخت، تغییر داد و نام «کمیته صهیونیستی آمریکا برای امور عمومی»^۸ را بر آن نهاد. این کمیته به جز خصوصیت معافیت از مالیات، تمام خصوصیات دیگر شورای صهیونیست‌های آمریکا، از جمله خصوصیات رهبری و عضویت در آن را، تماماً حفظ نمود. (AIPAC official site, 2018)

در سال ۱۹۵۹ تحت فشار گروه‌ها و سازمان‌های غیرصهیونیستی، این لابی نام خود را به «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» تغییر داد. این کمیته اکنون با نام اختصاری «ایپک» شناخته می‌شود. نقش کنن در گسترش قدرت این کمیته بسیار قابل توجه است. هنگامی که این کمیته کار خود را آغاز کرد، تنها چهار کارمند در اختیار داشت و فعالیتش بسیار محدود بود. (The Israel Lobby in Perspective, 2007) کنن با تماس‌های مکرر خود با افراد ذی‌نفوذ و نخبگان و رهبران سازمان‌های یهودی و دست یافتن به تماس‌هایی با برخی از افراد کنگره، از طریق ایشان توانست به ایجاد شبکه‌ای گسترده دست زند. او می‌گوید: «من دوستان زیادی را در واشنگتن و نیویورک ملاقات کردم؛ از جمله جان اوکز از نیویورک تایمز و هری بهر از روزنامه نیویورک هرالد تریبون. این دو روزنامه مقالات بسیار قابل توجهی را در جهت خواسته‌های ما به چاپ رساندند. ما توانستیم با دو نماینده یهودی کنگره در کمیته امور خارجی مشورت کنیم، این نمایندگان عبارت بودند از جاکوب جاویتس از حزب جمهوریخواه و آبراهام ربیکف از حزب دمکرات. «اوتالپ هابی» که رئیس یک سازمان معروف مطبوعاتی در هوستون بود، به واشنگتن آمد تا شامی را به افتخار آبا ابان سفیر اسرائیل و سناتور کانالی رئیس کمیته روابط خارجی سنا و همکار جوانش لیندون جانسون^۹ ترتیب دهد. در این ضیافت چند تن از رهبران دو حزب مثل ویس مور و والتر جورج شرکت نمودند که ما توانستیم بعدها از کمک آنها در کمیته خدمات سربازی استفاده نماییم». (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

کنن با ایجاد چنین برنامه‌هایی توانست سازمان با کیفیت و پرنفوذی را پایه‌ریزی کند. وی با دعوت از رهبران سازمان‌های یهودی و عضویت ایشان در این کمیته، بیشترین اعتبار را به این کمیته بخشید. کنن در سال ۱۹۷۴ بازنشسته گردید و دستیار حقوقی سناتور دمکرات آبراهام ربیکف یعنی «موریس آمیتای»^{۱۰} به سمت مدیر اجرایی و مسئول اداره ایپک منصوب شد. در دوره ۶ ساله ریاست آمیتای بر ایپک، اقدامات نوینی انجام شد. آمیتای به کامپیوتری کردن



دفاتر لابی و انتقال آن به کاپیتال هیل اقدام نمود. او همچنین به افزایش تعداد کارمندان ایپک تا چندین برابر مبادرت ورزید و نیز بودجه سالیانه را که در آن هنگام ۴۰۰ هزار دلار در سال بود، به ۱/۲ میلیون دلار در سال رساند. اقدام مهم دیگر او، ارتقاء تماس‌ها و گسترده نمودن لیست مرتبطین با کمیته که در زمان کنن به چند صد نفر محدود می‌شد، بود. وی این لیست را به یازده هزار تماس و ارتباط افزایش داد. (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

رئیس بعدی ایپک، تامس داین^{۱۱} بود. او جوانی با تجربه و پرانرژی بود که برای مدتی در گروه داوطلبانه صلح خدمت کرده بود و به عضویت وزارت خارجه نیز درآمده بود. وی در سال ۱۹۸۱ به عنوان مسئول ایپک برگزیده شد. داین نیز مانند دیگر اسلافش، تجارب مفیدی درباره کار کنگره داشت. وی برای مدتی اداره امور مسائل امنیتی را برای کمیته بودجه سنا بر عهده داشت و مدتی نیز دستیار حقوقی سناتور ادوارد کندی، فرانک چرچ و ادوارد موسکی بود. (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۷-۲۶۸) داین نیز به توسعه ایپک مبادرت ورزید. وی تعداد کارمندان ایپک را به ۱۵۰ نفر رساند و بودجه ایپک در زمان او تا مرز ۱۵ میلیون دلار در سال بالا رفت. همچنین لیست مرتبطین و تماس‌های کمیته در آن زمان به ۵۵ هزار افزایش یافت. (AIPAC official site, 2018) در ضمن باید یادآوری کرد که ایپک هم اکنون در آمریکا دارای ۷ دفتر در مناطق مختلف است. پس از داین نیز افرادی با سابقه بر ایپک ریاست کردند؛ افرادی چون ادلوی، استیون گراسمن و لری وینبرگ که همگی از شایستگی لازم برخوردار بودند و توانستند از یک گروه کوچک، قویترین لابی فعال در حوزه سیاست خارجی آمریکا را بسازند به طوری که هر روز بر قدرت آن در ساماندهی به سیاست آمریکا در امور خاورمیانه افزوده می‌شود.

۳ - ساختار اداری و مالی ایپک

کار ایپک غالباً از صرف توسل به تاکتیک‌های معمول برای لابی کردن فراتر می‌رود. ایپک به شبکه‌ای که برای بسیج و فعال کردن جامعه یهودیان آمریکا به وجود آورده، متکی است. گفته می‌شود این شبکه، مرکب از ۷۵ سازمان مختلف یهودی است که به نحوی از اسرائیل حمایت می‌کنند. (Bard, 2008) این سازمان‌ها غالباً از نظر قانونی قادر نیستند به فعالیت‌هایی



بپردازند که در چارچوب لابی دسته‌بندی می‌شوند اما نمایندگان برخی از آنها در هیئت مدیره ایپک عضویت دارند و در روند کار، انواع کمک‌ها را به این لابی ارائه می‌کنند. این سازمان‌ها همچنین دارای تشکیلاتی هستند که انتشار سریع اطلاعات بین اعضاء را ممکن و در نتیجه، تحرک آنها به تناسب فعالیت‌های کنگره را میسر می‌سازد؛ فعالیت‌های به اصطلاح مردمی در حوزه‌های انتخابیه اعضاء کنگره برای اعمال فشار بر آنها در صورت لزوم، از این نوع تحرکات است. در ادامه به ساختار اداری و مالی لابی ایپک اشاره می‌شود.

۳-۱- ساختار اداری

در سال ۱۹۵۹ هنگامی که «کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل» ایجاد شد، یک شورای ملی مرکب از نمایندگان محلی و رهبران سازمانهای یهودی برای آن تشکیل گردید. این شورا شامل افرادی بود که شدیداً علاقه‌مند به انجام اقدامات حمایتی از اسرائیل بودند و به گفته کنن «یا می‌توانستند برای کمیته اعانه جمع‌آوری نمایند و یا از روابط دوستانه خود با افراد کنگره به نفع اسرائیل استفاده نمایند.» (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۷)

هم‌اکنون مرکز نظارت و فرماندهی ایپک در نیویورک قرار دارد و ایپک هفت مرکز در سطح ایالات مختلف آمریکا در اختیار دارد. کمیته اجرایی که عملاً مجری اهداف ایپک است، به نحو بسیار گسترده‌ای سازماندهی شده و تا سال ۱۹۸۳ رؤسای ۳۸ سازمان یهودی در آن به عضویت رسیده‌اند. این تعداد اکنون بیشتر هم شده است. این اعضاء باید به صورت سالیانه حق عضویت خویش را بپردازند. در زمان توماس داین مدیر اجرایی ایپک، تعداد اعضا به ۵۵ هزار عضو رسید. کلیدی‌ترین نقش در کمیته را مدیر اجرایی بر عهده دارد. این پست معمولاً به اشخاص ثروتمند، با نفوذ و مورد احترام سازمان‌های یهودی سپرده می‌شود.

در خصوص تعداد کارمندان باید اشاره کرد که در ابتدای فعالیت، تنها ۴ نفر کارمند برای کلیه فعالیت‌های ایپک وجود داشت در حالی که هم‌اکنون بیش از ۲۰۰ نفر کارمند در این کمیته مشغول به فعالیت هستند. (AIPAC official site, 2018)

اعضاء و تشکیل‌دهندگان کمیته نیز به دو شکل گسترش می‌یابند:

۱- از طریق هماهنگی با رهبری سازمان‌های محلی مذهبی و صهیونیستی که اغلب آنها در



هیئت مدیره کمیته عضویت دارند؛

۲- از طریق توسعه و گسترش عضویت‌های انفرادی.

این دو بخش عناصر اصلی تشکیلات گسترده کمیته امور عمومی آمریکا و اسرائیل می‌باشند.

AIPAC (official site, 2018)

در خصوص جذب اعضاء باید اشاره کرد که کمیته بیشتر بر روی نیروهای دارای دانش و آگاهی سیاسی، توجه خود را معطوف کرده و کمتر به کمیت توجه داشته است. به عبارت دیگر آنچه برای کمیته مورد توجه است، کیفیت است و نه کمیت.

ایپک دارای یک نشریه به نام «گزارش خاور نزدیک»^{۱۲} است که آخرین خبرهای حقوقی و قانونی را در اختیار اعضاء قرار میدهد و نیز جریان‌های جدید و به روز و وقایع مهم را به اطلاع اعضاء می‌رساند. این نشریه به عنوان یک خبرنامه برای کمیته محسوب میشود (AIPAC official site, 2018).

علاوه بر آن باید به سایت ایپک اشاره کرد که اخبار آخرین تحولات این لابی را در اختیار اعضاء قرار می‌دهد. در این پایگاه خبری اینترنتی، علاوه بر آخرین تغییرات ایپک، خلاصه‌ای از سیاست‌های کلی، دستاوردها، اهداف و سخنرانی‌های ایراد شده در اجلاس سالیانه موجود است.^{۱۳}

هرساله نیز کنفرانسی تحت عنوان نشست سالانه ایپک در مقر اصلی این سازمان در واشنگتن برگزار می‌شود. نشست سالانه از اهمیت فوق‌العاده‌ای برای رؤسای این سازمان و همچنین سایر لابی‌های صهیونیستی برخوردار است. به عبارت دیگر نشست سالیانه در آمریکا، بزرگ‌ترین تلاش سیاسی این لابی صهیونیستی است که هر ساله برای حمایت از رژیم صهیونیستی انجام می‌شود. در این کنفرانس برای خط‌مشی‌های آینده سازمان تصمیم‌گیری می‌شود و چگونگی برخورد با مسائل و تعقیب اهداف نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. (AIPAC official site, 2018)

اجلاس سالیانه ایپک دارای چنان اهمیتی شده است که جورج بوش، رئیس جمهور سابق آمریکا، چند مرتبه شخصاً در آن حضور یافت. باراک اوباما، رئیس جمهور سابق آمریکا نیز مهم‌ترین سخنرانی‌هایش درباره حمایت از اسرائیل را در آنجا انجام داده است.



آخرین اجلاس سالیانه ایپک در تاریخ ۱۳-۱۶ اسفند ماه سال ۱۳۹۶ در واشنگتن برگزار شد. در این اجلاس ۵ مقام ارشد دولت آمریکا از جمله مایک پنس، معاون رئیس جمهور، نیکی هیلی، نماینده آمریکا در سازمان ملل و دیوید فریدمن، سفیر آمریکا در اسرائیل، همچنین ۳۵ عضو کنگره آمریکا از جمله کوین مک کارتی، رهبر اکثریت مجلس نمایندگان از جمهوری خواهان و چاک شومر، رهبر اقلیت دموکرات سنا، حاضر شده و سخنرانی کردند. ۱۴ نفر از مقامات رژیم صهیونیستی هم در اجلاس سخنرانی کردند که ۴ وزیر اسرائیلی و ۷ عضو مجلس اسرائیل در میان آنان بودند. همچنین نتانیاها، شخصاً در این اجلاس حضور پیدا کرد و به ایراد سخن پرداخت. (AIPAC annual conference official site, 2018)

بیشتر سخنرانی‌ها درباره چند موضوع بود: نخست، حمایت مداوم و همه جانبه آمریکا از اسرائیل؛ دوم، انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس؛ سوم، برجام و سرنوشت آن؛ چهارم، حضور منطقه‌ای ایران؛ پنجم، همکاری آمریکا و اسرائیل در موضوعات مختلف. (Landau, 2018)

تشکیل جلسات آموزشی و هدایتی، از دیگر اقدامات ایپک در مراکز و دفاتر کمیته در سطح ایالات متحده است.

این کلاسها از برنامه‌های مؤثر جهت بهینه شدن کار کمیته میباشد؛ به عنوان مثال در آگهی یکی از کارگاه‌ها که برای شیکاگو برنامه‌ریزی شده، آمده بود: «کلاس‌های کارگاه صبح‌ها و عصرها دایر می‌باشد، جلسات صبح با عنوان «روابط اسرائیل و آمریکا»، چگونگی پروسه عملیات سیاسی و چگونگی پرداختن به آن را مورد بررسی قرار داده و سناتور باب کاستن و نماینده کنگره لاری اسمیت، تدریس خواهند کرد. جلسات بعد ظهر توسط کارکنان کمیته اداره شده و «عناصر عملیات سیاسی»، «بی‌اعتبار نمودن اسرائیل و چگونگی پاسخ به آن» و «اسرائیل و جوامع یهودی آمریکا» بحث و بررسی خواهد گردید.» (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۶-۲۶۸)

۳ - ۲ - امور مالی

بودجه اولین کمیته ۵۰۰۰۰ دلار بود که البته بر اساس منابع موجود، ۱۳ هزار دلار آن به



عنوان حقوق به کنن تعلق می‌گرفت. به گفته کنن، در آن زمان تهیه این مبلغ (۵۰ هزار دلار) بسیار دشوار بوده است اما از سال ۱۹۶۷ و همزمان با حمایت گسترده آمریکا از اسرائیل، روند جمع‌آوری اعانات با سهولت بیشتری همراه شده است. (اوبرلین، ۱۳۸۳: ۲۶۸)

امروزه امور مالی کمیته از محل دریافت حق عضویت و کمک‌های مالی که افراد و سازمان‌ها می‌پردازند، تأمین می‌گردد. با این که پرداخت‌کنندگان از امتیاز معافیت مالیاتی برخوردار نمی‌شوند، کمک‌های مالی به کمیته رو به افزایش است. بودجه سالانه کمیته در سال ۱۹۷۳ به ۲۵۰۰۰۰ دلار، در سال ۱۹۷۴ به ۴۰۰۰۰۰ دلار، در سالهای ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ به ۷۵۰۰۰۰ دلار رسید و در شش سال بعد، سه برابر افزایش یافت. این بودجه در سال ۱۹۸۹ به ۱۱ میلیون دلار رسید. بودجه سالانه کمیته در دهه ۱۹۹۰، ۱۳ میلیون دلار در سال بوده است. (اسلامی، ۱۳۸۴: ۱۲۸) این بودجه هر ساله افزایش می‌یابد زیرا تعداد کسانی که به این گروه کمک مالی می‌کنند، رو به افزایش است.

گفته می‌شود که ایپک در حال حاضر دارای بیش از ۲۰۰ کارمند تمام‌وقت و بودجه‌ای حدود ۴۷ میلیون دلار است. همچنین در سه ماهه اول سال ۲۰۱۸، نزدیک به یک میلیون دلار توسط ایپک صرف لابی‌گری شده است. البته این مبلغ در گزارش مالی ایپک آمده است زیرا ایپک به عنوان یک لابی داخلی ایالات متحده مجبور است سالیانه در چهار نوبت گزارش مالی خود را به وزارت امور خارجه و دفتر مجلس نمایندگان تسلیم نماید. این گزارش‌ها برای دسترسی عموم منتشر می‌گردد. (Open secrets site, 2018)

کمیته به کمک‌ها و اعانات بزرگ که معمولاً برخی از افراد می‌پردازند، توجه خاص دارد و بدین منظور کلویی را به نام «کاپیتال» دایر نموده که چند صد نفر عضو دارد و هر کدام از ایشان سالانه مبلغی بیش از ۲۰۰۰ دلار می‌پردازند. کمیته در نشریه خویش هر سه ماه نام کسانی که بیش از ۵۰۰ دلار به کمیته کمک نموده‌اند را چاپ می‌کند.

اصولاً اکثر این مساعدان مالی از طبقه ثروتمندان یهودی آمریکا می‌باشند. این افراد در ارتباط با کمیته بوده یا از طرفداران سرسخت اسرائیل هستند؛ به عنوان مثال طبق لیست منتشره توسط نشریه، افرادی چون ماکس فیشر، رهبر یهودیان در ائتلاف حزب جمهوریخواه ریگان و بوش پدر، اشروینبرگ حامی فعال اسرائیل، مورتون سیبرمن از رؤسای کمیته و رابرت اشرو



رئیس کمیته شیکاگو، از جمله پرداخت کنندگان کمک مالی به کمیته هستند. (Congressional club on AIPAC official site, 2018)

۴ - دلیل اهمیت ایپک

یکی از مسائلی که باید به صورت گذرا به آن اشاره شود، دلیل اهمیت ایپک و لزوم بررسی آن است. تأثیرگذاری ایپک در ساخت سیاست خارجی آمریکا در خاورمیانه را میتوان از بررسی این سیاست دریافت. البته باید در همین جا متذکر شد که به سیاست آمریکا در قبال اسرائیل و مسائل خاورمیانه نباید تنها از مجرای ایپک نگریسته شود بلکه باید به دیگر عوامل نیز در همین زمینه توجه گردد. همه نکاتی که درباره لابی ایپک و قدرت آن ذکر میشود را باید در کنار این نکته قرار داد که سیاست در ایالات متحده بسیار متکثر بوده و از عوامل متعددی نشأت می‌گیرد. (Cook, 2008: 121)

در ادامه به حمایت‌های گسترده ایالات متحده از رژیم صهیونیستی اشاره می‌شود که مهم‌ترین شاهد بر قوت لابی‌های یهودی و در رأس آنها ایپک برای تأثیرگذاری در نظام سیاسی آمریکا است. به همین منظور کمک‌های مالی و نظامی و کمک‌های سیاسی آمریکا به رژیم صهیونیستی بررسی می‌شود.

۴ - ۱ - کمک‌های مالی و نظامی

یکی از مهمترین اقدامات کنگره در قبال اسرائیل، کمک‌های مالی به این رژیم در زمینه اقتصادی و نظامی است. این کمک‌ها حتی با وجود مشکلات اقتصادی آمریکا قطع نشده و همواره ادامه یافته است. تا سال ۱۹۷۳ مهم‌ترین منبع حمایت از اسرائیل، کمک‌های مالی یهودیان آمریکا بود که تا نیم میلیارد دلار در سال هم می‌رسید. (عنايه، ۱۳۸۵: ۵۸) پس از آن تاریخ بود که کمک‌های دولت آمریکا از کمک مستقیم یهودیان فراتر رفت. نتیجه این امر آن است که ایالات متحده در طول سال‌های ۱۹۸۴-۲۰۰۱، حدود ۹۱ میلیارد دلار کمک مستقیم به رژیم صهیونیستی انجام داده و تا سال ۲۰۰۳ مجموع کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم و امتیازاتی که در اختیار رژیم اسرائیل قرار گرفته است، بالغ بر ۱,۸ تریلیون



دلار برآورد می‌شود. (Stauffer, 2003) این مبلغ معافیت‌های مالیاتی که شامل حامیان رژیم صهیونیستی شده را در بر نمی‌گیرد.

از زمان جنگ اکتبر اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳، حمایت آمریکا از اسرائیل در سطحی بوده است که با هیچ کشور دیگری قابل مقایسه نیست. این حمایت شامل بیشترین میزان کمک سالانه مستقیم اقتصادی و نظامی از سال ۱۹۷۶ به بعد است. اسرائیل همچنین دریافت‌کننده بیشترین مجموع کمک از ایالات متحده بعد از جنگ دوم جهانی بوده است. اسرائیل در هر سال بالغ بر سه میلیارد دلار کمک مستقیم دریافت می‌کند که معادل یک پنجم کل بودجه کمک‌های خارجی آمریکا است. سرانه کمک آمریکا به هر اسرائیلی در سال به طور متوسط معادل ۵۰۰ دلار است. (اسلامی، ۱۳۸۸: ۳۲۷)

دیگر دریافت‌کننده‌های کمک از سوی آمریکا موظفند که کمک‌ها را در موارد کاملاً مشخص صرف کنند و پول را به صورت فصلی و بر اساس پیشرفت کار، دریافت می‌کنند اما اسرائیل کمک‌ها را در اول هر سال مالی دریافت می‌کند و بنابراین در هر راهی که بخواهد می‌تواند صرف نماید. اغلب دریافت‌کننده‌های کمک نظامی از آمریکا موظفند که آن را فقط در ایالات متحده صرف کنند و از کارخانه‌های این کشور خرید کنند ولی اسرائیل مجاز است که بیش از بیست و پنج درصد این مبلغ را صرف ارتقاء صنایع نظامی خودش کند. اسرائیل همچنین تنها دریافت‌کننده کمک از آمریکا است که نباید در قبال این پرسش که کمک‌ها را چگونه صرف کرده است، پاسخی ارائه کند. (وایل، ۱۳۸۴: ۱۷۶)

۴ - ۲ - حمایت‌های سیاسی و دیپلماتیک

علاوه بر کمک‌های مالی و نظامی، واشنگتن رژیم تل‌آویو را تحت حمایت گسترده دیپلماتیک خود قرار داده است. از سال ۱۹۷۳، آمریکا ۴۴ قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد را که در انتقاد به عملکرد اسرائیل بوده، وتو کرده است. این تعداد استفاده از حق وتو برای اسرائیل، از مجموع وتوهای صورت گرفته توسط بقیه اعضای دائم شورای امنیت بیشتر است. (UN official site, 2018) آخرین مورد آن مربوط به ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ است که آمریکا قطعنامه پیشنهادی کویت در محکومیت جنایت صهیونیست‌ها در نوار غزه را وتو کرد. این



قطعه‌نامه هیچ مخالف دیگری به جز آمریکا نداشت. (Sputnik news official site, 2018) این کشور همچنین مانع از آن شده است که تلاش‌های کشورهای عربی برای این که فعالیت‌های اسرائیل در زمینه گسترش سلاح‌های هسته‌ای در دستور کار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار گیرد، به ثمر برسد. به همین جهت است که پس از چهل سال فعالیت اتمی اسرائیل، سال ۲۰۰۹ آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تصمیم به بررسی وضعیت این کشور می‌گیرد.

آمریکا همچنین در زمان حساس جنگ به کمک اسرائیل آمده و در مذاکرات صلح نیز از اسرائیل جانبداری کرده است. دولت جمهوریخواه نیکسون در جنگ اکتبر سال ۱۹۷۳ به حمایت مجدد از اسرائیل پرداخت و علاوه بر آن در مقابل خطر دخالت شوروی، جانب اسرائیل را گرفت. همچنین واشنگتن در مذاکراتی که به آن جنگ خاتمه داد، شرکت بسیار فعالی داشت؛ چنانکه در فرآیند مذاکرات منتهی به قرارداد صلح اسلو در سال ۱۹۹۳ نیز نقش کلیدی را ایفا کرد و پس از آن هم در این موضوع حضور جدی داشته است. در هر دو مسئله، اختلاف‌نظرهای موردی و جزئی میان مواضع رسمی آمریکا و اسرائیل وجود داشته است ولی در هر دو مورد، ایالات متحده موضعی بسیار نزدیک به اسرائیل اتخاذ کرده و سیاست جانبداری از اسرائیل را در مذاکرات در پیش گرفته است؛ چنانکه به تعبیر یکی از مسئولان سابق آمریکایی حاضر در مذاکرات کمپ دیوید در سال ۲۰۰۰، آنها در بیشتر موارد نقش وکیل رژیم اسرائیل را بازی کرده‌اند. (Mearsheimer and Walt, 2007: 4)



واشنگتن به اسرائیل آزادی عمل وسیعی داده تا به نحو دلخواه با مناطق اشغالی سال ۱۹۶۷ (کرانه باختری و نوار غزه) رفتار کند، حتی اگر عملش در تقابل با سیاست اعلام شده ایالات متحده باشد. علاوه بر این، برنامه دولت بوش برای ایجاد تغییرات در خاورمیانه که با اشغال عراق شروع شد، حداقل در موارد زیادی به نحوی طراحی شده بود که موقعیت راهبردی اسرائیل را بهبود بخشد. جدا از اتحاد در زمان جنگ، سخت است که مثال دیگری در جایی پیدا کرد که کشوری چنین سطحی از حمایت‌های مادی و دیپلماتیک را از کشور دیگری در این مدت طولانی به عمل آورد. به صورت خلاصه باید گفت که حمایت آمریکا از اسرائیل بی‌نظیر است.

دولت ترامپ نیز از زمان روی کار آمدن، حداکثر حمایت خود را از اسرائیل نشان داده است.

اقدام ترامپ در انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس که برخلاف همه قواعد شناخته شده حقوق بین‌الملل بود و با مخالفت بسیاری از کشورهای دنیا مواجه شد، یکی از نمونه‌های این اقدامات است. آمریکا قطعنامه شورای امنیت در مخالفت با انتقال سفارت این کشور به بیت‌المقدس را در دسامبر ۲۰۱۷ و تو کرد. آمریکا تنها عضو شورای امنیت بود که با این قطعنامه مخالف بود. (Tasnim news site, 2017)

۵ - هدف ایپک

لابی ایپک اگرچه عمدتاً روی کنگره متمرکز است اما بخشی از توان خود را نیز صرف کار با قوه مجریه آمریکا میکند. نمایندگان ایپک علاوه بر تماس‌های عدیده حضوری با اعضای کنگره، در کمیته‌های اصلی و فرعی مختلف در مجلس نمایندگان و سنا حاضر می‌شوند و در ارتباط با موضوعات مختلف موجود در دستور کار که مرتبط با اسرائیل است، سخنرانی می‌کنند. ایپک مدعی است که در کمیته اجرایی‌اش، رؤسای ۴۰ سازمان یهودی با ۴/۵ میلیون عضو حضور دارند و این خود وسیله‌ای است برای ادعای نمایندگی از سوی اکثریت یهودیان آمریکا.

ایپک از آنجا که ادعای غیرسیاسی بودن یعنی بی‌طرفی در رقابتهای دو حزب عمده آمریکا را دارد، رسماً دخالتی در ارزیابی، تأیید و کمک مالی به کاندیداهای مجالس نمی‌کند، هرچند که پیگیری نحوه رأی دادن و موضع‌گیری‌های نمایندگان کنگره که شناخت دقیقی از گرایش‌های نمایندگان به دست می‌دهد، بعداً توسط کمیته‌های امور عمومی که مسئول کمک‌های انتخاباتی هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ایپک تلاش دارد که غیرسیاسی باقی بماند، به این معنا که جانب هیچ یک از دو حزب عمده آمریکا را نگیرد و بتواند منافع خود را نزد وابستگان به دو حزب پیش برد. ایپک در عین حال همواره مدعی بوده که منافع ملی آمریکا را نمایندگی می‌کند و کوشش داشته تا حمایت از اسرائیل را در چنین چارچوبی مطرح و تحت چنین عنوانی پیش ببرد. (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۱)

این لابی همواره در پی تأمین و حفظ منافع اسرائیل است، خصوصاً در مواردی که کنگره نقش مهمی در تصمیم‌گیری دارد، مانند کمک‌های سالانه اقتصادی و نظامی آمریکا به اسرائیل که نقش این لابی پررنگ‌تر می‌شود. ایپک از سوی دیگر به عنوان یک ناظر، مراقب است که



تصمیمی به ضرر اسرائیل در بخش‌های مختلف دولت آمریکا گرفته نشود. فعالان ایپک اغلب از بین افراد دارای سابقه کار در کنگره انتخاب می‌شوند، به گونه‌ای که به جزئیات کار در کنگره و ریزه‌کاری‌های مربوطه واقف باشند. (Mearsheimer and Walt, 2007: 5)

همچنین یک هنجار بسیار قوی در میان اعضای لابی وجود دارد که هر گونه انتقاد از سیاست‌های اسرائیل را منع می‌کند. رهبران ایپک به هیچ وجه از تلاش برای وارد کردن فشار بر رژیم اسرائیل حمایت نمی‌کنند. بر همین اساس، ادگار برانفمن، رئیس کنگره جهانی یهود، وقتی که در اواسط سال ۲۰۰۳ در نامه‌ای از بوش خواست بر اسرائیل فشار بیاورد تا طرح ساخت دیوار امنیتی را در سرزمین‌های فلسطینی متوقف کند، به خیانت متهم شد. (Gilmore, 2003) منتقدانش اعلام کردند که در هر زمانی این یک وظیفه الزامی برای رئیس کنگره جهانی یهود است که با رئیس جمهور ایالات متحده رایزنی کند تا در راستای بهبود وضعیت دولت اسرائیل عمل نماید. (Liebler, 2005)

مشابه همین مورد، وقتی که سیمور ریچ، رئیس مجتمع سیاسی اسرائیل، در ماه نوامبر سال ۲۰۰۵ از کاندولیزا رایس، وزیر خارجه وقت آمریکا خواست که بر اسرائیل فشار وارد سازد تا مرزهای نوار غزه را مجدداً بازگشایی کند تا عبور و مرور از آن صورت گیرد، اتفاق افتاد. منتقدان، عمل او را به عنوان عملی غیرمسئولانه محکوم کردند و اظهار داشتند که به طور قطع، هیچ جایگاهی در جریان اصلی صهیونیسم برای کسی که علیه سیاست‌های مرتبط با امنیت اسرائیل فعالیت می‌کند، وجود ندارد. با عقب‌نشینی در مقابل این حمله گسترده، ریچ اعلام کرد که کلمه فشار در ادبیاتش وقتی درباره اسرائیل صحبت می‌کند، وجود ندارد. (Liebler, 2005)



همچنین گفته می‌شود که ایپک ظرف ۲۰ سال گذشته به نوعی به پیگرد آن گروه از اعضای کنگره که در مخالفت با نظراتش رأی داده‌اند، پرداخته است. از جمله مشهور است که در ۴ یا ۵ مورد، از طریق حمایت فعال از مخالفان‌شان، موفق به شکست آنها شده است؛ مواردی که جوی سنگین در کنگره ایجاد کرد و باعث شد تا دیگر اعضای کنگره و نیز داوطلبان عضویت در کنگره، توان ایپک را مدّ نظر داشته باشند. به گفته یکی از خبرنگاران بی‌بی‌سی به نقل از یکی از دستیاران یک سناتور آمریکایی، «وقتی سخن از اسرائیل باشد، در کنست (مجلس اسرائیل) آزادی بیشتری در مقایسه با کنگره

آمریکا وجود دارد.» (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۲) همین خبرنگار از قول دارالیزا عضو لبنانی‌الاصل کنگره آمریکا نقل می‌کند که به قطعنامه‌ای که هدفش تبریک به شارون بعد از انتخابش به نخست‌وزیری اسرائیل بوده رأی داده است، هرچند که شارون را معرف بدترین سیاست در اسرائیل می‌دانسته است، در عین حال نمی‌خواسته در بین معدود افرادی باشد که رأی نمی‌دهند. به گفته این خبرنگار، دارالیزا تنها عضو کنگره بوده که حاضر به حرف زدن با وی در مورد لابی طرفدار اسرائیل شده بود. (احمدی، ۱۳۸۱: ۱۱۳)

ایپک و به طور کلی فعالان یهودی، حمایت دیگر لابیها در کنگره را برای پیشبرد بهتر اهدافشان لازم می‌دانند و برای این منظور، به طور مستمر در فعالیت برای ایجاد ائتلاف‌هایی با دیگر جریان‌های فعال مانند اتحادیه‌ها، هالیوود، روحانیون مسیحی، دانشگاهیان و رهبران سیاهپوست هستند.

ایپک همچنین برنامه‌ای برای کار با مسیحیان دارد و در همین راستا تشکیلاتی به نام «کنفرانس رهبری مسیحی ملی برای اسرائیل»^{۱۴} جهت ایجاد هماهنگی بین گروه‌های مسیحی طرفدار یا متمایل به اسرائیل به وجود آورده است.

لابی ایپک همچنین از کمک گسترده گروه‌های مسیحی انجیلی^{۱۵} مثل گری بوئر، جری فالول، رالف رید و پت رابرتسون برخوردار است. به این افراد باید دیک آرمی و تام دیلی، رهبر اسبق جناح اکثریت در مجلس نمایندگان را هم اضافه کرد. این عده اعتقاد دارند که به وجود آمدن اسرائیل یکی از پیش‌بینی‌های انجیل بوده و باید به گسترش این رژیم کمک کرد. از سوی دیگر، فشار وارد کردن بر این رژیم صهیونیستی مخالف خداوند است. (Edsall and Moore, 2004) به اعضای این لابی باید چهره‌های شاخصی از جریان نومحافظه‌کار در آمریکا مثل جان بولتون، رابرت بارتل، سردبیر سابق وال استریت ژورنال، ویلیام بنت، وزیر سابق آموزش، جین کیرکپاتریک، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل و جورج ویل، مقاله‌نویس مشهور را اضافه کرد. (Bock, 2003)

جای تعجب ندارد که رهبران یهودیان در آمریکا با مقامات اسرائیلی در بسیاری از زمینه‌ها مشورت می‌کنند و همین مسئله باعث می‌شود تا نفوذ آنها در ایالات متحده بیشتر شود. همان طور که یکی از فعالان در یکی از سازمان‌های بزرگ یهودی نوشته است: «این مسئله یک امر عادی برای ما بود که بگوییم سیاست ما در یک موضوع خاص این است. اما ما باید



چک می‌کردیم ببینیم که اسرائیلی‌ها در این زمینه چگونه فکر می‌کنند. سازمان‌هایی مثل ما همواره این کار را انجام می‌دادند.» (Nir, 2005)

بنابراین به صورت خلاصه میتوان اهداف لابی ایپک را اینگونه برشمرد:

- این لابی در عرصه داخلی سعی دارد تا گروهی غیرحزبی معرفی شده و با هر دو حزب آمریکا به کار پردازد. این امر علیرغم جانبدارانه بودن آرای یهودیان، به نفع حزب دموکرات بوده و نشان از هنر کارگزاران لابی ایپک دارد.
- لابی ایپک یک هدف را برای خود مشخص نموده و آن حمایت از سیاست‌های دولت اسرائیل در آمریکا و جلب نظر مقامات آمریکایی در کنگره و دولت برای حمایت از این رژیم است.
- در عرصه عملی، سیاست ایپک به این معناست که این لابی با هرگونه انتقاد از سیاست‌های دولت اسرائیل، مخالفت جدی کرده و به هر صورت با آن برخورد می‌کند. به همین دلیل انتقادهای حاصل از جنگ علیه نوار غزه در سال ۲۰۰۹ سبب ایجاد مشکل داخلی در میان یهودیان آمریکایی شد.
- ایپک برای رسیدن به این اهداف، جلب نظر سیاستمداران عالی را وجه همت خود قرار داده است.
- این لابی همچنین به کار با دیگر مذاهب نیز علاقه‌مند است. باید توجه داشت که در حال حاضر بیشترین حمایت از اسرائیل را مسیحیان انجام میدهند و نه یهودیان.



نتیجه‌گیری و پیشنهاد

فرایند سیاسی، فرایند اصلی در تصمیم‌سازی است. این فرایند، مجموعه‌ای از قدرت و نفوذ در جامعه است که در آن بازیگران زیادی می‌کوشند تا به اهداف معینی دست یابند و در این راستا سیاست به عنوان هنر تحت نفوذ درآوردن عملکردها با مسئله قدرت ارتباط می‌یابد. تصمیم‌سازی‌ها زاینده ائتلاف‌ها، بده‌بستان‌ها و متقاعد ساختن‌های بی‌شمار است.

در این مقاله به دنبال بررسی تاریخچه، ساختار، اهداف و دلایل اهمیت ایپک بودیم. همانگونه که ذکر گردید، ایپک از دهه ۱۹۵۰ میلادی فعالیت خود را شروع کرده

و به تدریج به ساختاری مؤثر و قدرتمند در فضای سیاست خارجی ایالات متحده تبدیل شده است. از دهه ۱۹۸۰ میلادی اهمیت ایپک در آمریکا بیشتر شده است اما اوج قدرت‌نمایی این سازمان به بعد از انتخاب جورج بوش پسر برای پست ریاست جمهوری آمریکا بازمی‌گردد. از آن زمان به تدریج قدرت ایپک روز به روز بیشتر شده است. ایپک علیرغم دارا بودن ساختاری کوچک، توانایی قابل توجهی به دلیل حمایت گروه‌های قدرتمند یهودی از اهدافش به دست آورده است. این توانایی با گزارش‌های رسمی ایپک درباره اقداماتش همخوان نیست؛ زیرا همانگونه که ذکر شد، ایپک می‌گوید در سه ماهه اول ۲۰۱۸ تنها نزدیک به یک میلیون دلار صرف لابی‌گری کرده است در حالی که این مبلغ با نفوذ ایپک قابل تطبیق نیست. هدف ایپک به صورت خلاصه، کسب حمایت همه جانبه و بی‌چون‌وچرای دولت آمریکا از رژیم صهیونیستی است. هدفی که طی سال‌های اخیر به آن دست یافته است. در این زمینه با توجه به تداوم حمایت سیاسی و دیپلماتیک آمریکا از اسرائیل که ۴۴ بار وتوی قطعنامه‌های شورای امنیت یک نمونه روشن آن است، می‌توان گفت ایپک موفق بوده است. همچنین آمریکا به حمایت مالی از اسرائیل ادامه می‌دهد و اسرائیل بیشترین میزان کمک بلاعوض را از آمریکا دریافت می‌کند.

در انتهای این نوشتار لازم به ذکر است که عملکرد لابی ایپک نشان می‌دهد که یکی از ضعف‌های سیاست خارجی ایران نسبت به ایالات متحده، عدم وجود لابی قدرتمند ایرانی در آمریکاست. عملکرد فعالانه‌تر و موفق‌تر لابی ایرانیان در ایالات متحده با توجه به پتانسیل حضور و سطح و طبقه ایرانیان ساکن در ایالات متحده با تقویت اطلاع‌رسانی در ارتباط با قدرت لابی‌ها، اقدام به اعتمادسازی نسبت به موفقیت این گروه‌ها و به‌کارگیری روش‌های صحیح لابی‌گری و همچنین بهره‌مندی از لابی ارامنه با توجه به روابط ایران و ارمنستان و حضور اقلیت ارامنه در ایران، کاملاً در دسترس است و ضروری است دستگاه سیاست خارجی نسبت به این موضوع با حساسیت بیشتری برنامه‌ریزی و اقدام نماید.



پانوشت

1. Fortune
2. The American Association of Retired People (AARP)
3. National Journal
4. the Conference of Presidents of Major Jewish Organizations (CPMJO)
5. Lobby
6. Arthur F. Bentley
7. I.L. Kenen
8. American Zionist Committee for Public Affairs
۹. این شخص بعداً رئیس جمهوری آمریکا شد.
10. Morris Amitay
11. Thomas Dine
12. Near East Report
۱۳. بسیاری از مطالب این نوشتار درباره ساخت ایپک از همان سایت تهیه شده است.
14. National Christian Leadership
15. Christian Evangelicals



منابع

فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۰)، **دانشنامه سیاسی**، تهران: انتشارات مروارید، چاپ دوم.
- احمدی، کورش (۱۳۸۱)، "قدرت یهود در آمریکا: از اسطوره تا واقعیت"، فصلنامه راهبرد، شماره ۲۵، پاییز.
- احمدی لفورکی، بهزاد (۱۳۸۷)، **لابی و لابی‌گر در ایالات متحده**، تهران: انتشارات

- موسسه فرهنگی و مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- اسلامی، محسن (۱۳۸۸)، **سیاست خارجی اسرائیل**، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- امجد، محمد (۱۳۸۶)، **سیاست و حکومت در ایالات متحده**، تهران: سمت، چاپ سوم.
- اوپرین، لی (۱۳۸۳)، **سازمانهای یهودیان آمریکا و اسرائیل**، ترجمه علی ناصری، تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی نور.
- دوورژه، موریس (۱۳۵۲)، "احزاب سیاسی و گروه‌های ذی‌نفوذ"، مترجم ابوالفضل قاضی، نشریه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۳.
- عنایه، محمد جلال (۱۳۸۵)، **قدرت یهودیان در آمریکا**، ترجمه محمدرضا بلوردی، تهران: اندیشه‌سازان نور.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۱ الف)، "فهم گروه بنیان سیاست ایالات متحده"، فصلنامه امور بین‌الملل، سال نخست، شماره یک.
- کوهکن، علیرضا (۱۳۹۱ ب)، "واکاوی دلایل ضعف لابی‌های ایرانی در آمریکا"، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره چهارم.
- وایل، ام.جی.سی (۱۳۸۳)، **سیاست و حکومت در آمریکا**، ترجمه قربانعلی گنجی، تهران: قومس.

English

1-Bard, Michael (no date), the Israeli and Arab Lobbies, jewish virtual library, from: <http://www.us-israel.org>, Retrieved at 98/03/18.

2-Bentley, Arthur (1908), **the process of Government: A Study of social pressures**, Chicago: university of Chicago press, available on: <http://books.google.com/books?id=nMUk1PHISeEC&print->



sec=frontcover#v=onepage&q&f=false, Retrieved at 97/10/18.

3-Birnbaum, Jeffrey H. (1997), Washington's Power 25, *Furtune*, December 8.

4-Bock, Darrell L. (2003), "Some Christians See a 'Road Map' to End Times", *Los Angeles Times*, June 18.

5-Brenner, Lenni (2003), "My People are American. My Time is Today," 24 October, from: <http://www.counterpunch.org/brenner10242003>, Retrieved at 98/03/18.

6-Cigler, Allan J., Loomis, Burdett (2007), *Interest Group Politics*, Washington D.C: CQ Press, Seventh Edition.

7-Cohen, Steven M. (2005), *The 2004 National Survey of American Jews*, sponsored by the Jewish Agency for Israel's Department of Jewish Zionist Education, February 24.

8-Cohen, Richard E. and Bell, Peter (2005), Congressional Insiders Poll, *National Journal*, March 5.

9-Cook, Janathan (2008), *Israel and Clash of Civilization*, London: Pluto Press.

10-Edsall, Thomas B. and Moore, Molly (2004), "Pro-Israel Lobby Has Strong Voice," *Washington Post*, September 4.

11-Gilmore, Inigo (2003), "U.S. Jewish Leader Hit over Letter", *London Sunday Telegraph*, August 12.

12-Kaplan, Esther (2004), "The Jewish Divide on Israel", *Nation*, July 12.

13-Landau, Emily B. (2018), At AIPAC, this Israeli felt the love, *The Times of Israel*, MARCH 13, 2018, from: <http://blogs.time-sofisrael.com/at-aipac-i-felt-the-love/>, Retrieved at 98/03/18.



- 14- Liebler, Isi (2005), “When Seymour Met Condi”, *Jerusalem Post*, November 24.
- 15-Mearsheimer, John and Walt, Stephen M. (2007), *The Israel lobby and U.S foreign policy*, a paper for University of Chicago and Harvard University, March.
- 16-N,n (2007), ‘The Israel Lobby’ in Perspective’, *Middle East Report*, No. 243, Summer.
- 17-N,n (2017); tasnim news site, from: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/09/28/1605107>, Retrieved at 98/03/18.
- 18-N,n (2018), AIPAC annual conference official site, from: <http://www.policyconference.org/gallery/speakers2018.asp>, Retrieved at 98/03/18.
- 19-N,n (2018), congressional club on AIPAC official site, from: <https://www.aipac.org/act/congressional-club>, Retrieved at 98/03/18.
- 20-N,n (2018), jewish virtual library, from: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/jewish-population-of-the-world>, Retrieved at 98/03/18.
- 21-N,n (2018), open secrets site, from: <https://www.opensecrets.org/lobby/clientsum.php?id=D000046963&year=2018>, Retrieved at 98/03/18.
- 22-N,n (2018), Sputnik news official site, from: <https://af.sputniknews.com/world/201806022363597->, Retrieved at 98/03/18.
- 23-N,n (2018), UN official site, from: [www.un.org/security council/](http://www.un.org/securitycouncil/), Retrieved at 98/03/18.
- 24-Nir, Ori (2005), “FBI Probe: More Questions Than Answers”, *Forward*, May 13.



25-Rabertson, David (1993), **A Dictionary of Modern Politics**, Europa Publication, Second Edition, available on: http://books.google.com/books/about/A_dictionary_of_modern_politics.html?id=FmJHAAAAMAAJ, Retrieved at 97/09/21.

26-Salisbury, Robert H. (1969), “An Exchange Theory of Interest Groups”, **Midwest Journal of Political Service**, Vol.13, No.1.

27-Stauffer, Thomas R. (2003), The Costs to American Taxpayers of the Israeli- Palestinian Conflict: \$3 Trillion, *Washington Report on Middle East Affairs*, June.

28-Terry, Janice J (2005) *U.S Foreign Policy in the Middle East*, London: Pluto Press.

